

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال دوازدهم، شماره ۴۶، زمستان ۱۳۹۸
صفحات: ۱۷۸-۱۶۱
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۱۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۹/۱۳
مقاله: پژوهشی

بررسی دیدگاه‌های مختلف پیرامون اهداف و چشم اندازهای تحولات محمد بن سلمان در عربستان سعودی

پریسا خراسانی اسمعیلی* / بهناز ازدری** / مجید معصومی***

چکیده

انتخاب محمد بن سلمان به عنوان ولیعهد عربستان سعودی یکی از اساسی ترین تحولاتی است که اخیراً در ساختار سیاسی عربستان سعودی رخ داده است. اهمیت بن سلمان در ساختار حکومتی عربستان سعودی از این روست که او مجموعه ای از تغییر و تحولات جدید را در کادر رهبری عربستان سعودی ایجاد و با طراحی چشم انداز ۲۰۳۰ تلاش نموده است که عربستان را در مسیر انتقالی و مدرنیزاسیون قرار دهد. از زمانی که بن سلمان تغییرات جدیدی را در سیستم حکومتی عربستان ایجاد کرده و طرح ها و چشم اندازهای خود را مطرح نموده است دیدگاه ها و نگرش های متفاوتی پیرامون ماهیت و چرایی این تغییرات ایجاد شده است. هدف این مقاله بررسی نگرش ها و دیدگاه های مختلف در این زمینه است. در واقع این پژوهش تلاش دارد که نگرش هایی را که در مورد ماهیت تحولات بن سلمان وجود دارد را مطرح نموده و آن ها را تشریح کند.

کلیدواژه‌ها: عربستان سعودی؛ محمد بن سلمان؛ تحولات سیاسی؛ چشم انداز ۲۰۳۰؛ دیدگاه های مختلف.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران. parisa200455@yahoo.com

** استادیار گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران (نویسنده مسؤول).

b_azhdari944@yahoo.com

*** استادیار گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران. m_masomi2002@yahoo.com

مقدمه

عربستان سعودی در سال های اخیر شاهد تغییر و تحولاتی اساسی در حوزه ی حکومتی و مرکز قدرت بوده است و از زمانی که ملک سلمان به عنوان پادشاه جدید انتخاب شده است ساختار سیاسی عربستان سعودی به سمت تمرکز قدرت حرکت کرده است. یکی از تغییر و تحولات اساسی سیستم سیاسی عربستان سعودی در این زمان نیز مربوط به انتخاب محمد بن سلمان به عنوان ولیعهد سعودی است که معادلات جدیدی را در فضای سیاسی این کشور رقم زده است. محمد بن سلمان که با کاربرد اجبار و زور خود را جایگزین ولیعهد قبلی قرار داده تلاش نموده که از طریق انجام اصلاحات جدید در کابینه زمینه را برای گسترش قدرت خود فراهم سازد. طرح موسوم به چشم انداز ۲۰۳۰^۱ از جمله ابتکاراتی است که توسط بن سلمان مطرح شده و هدف اصلی و اولیه از ارائه آن انتقال جامعه ی عربستان به سمت یک وضعیت مدرن و پیشرفته بیان گردیده است. بن سلمان بیان داشته است که از طریق اجرای این طرح تلاش دارد که عربستان سعودی را در تمام حوزه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی متحول سازد و زمینه را برای شکل گیری یک عربستان جدید فراهم سازد. در واقع چشم انداز ۲۰۳۰ به عنوان نوعی نقشه ی راه برای عربستان سعودی عمل خواهد کرد تا موقعیت این کشور را در سطوح منطقه ای و جهانی ارتقا داده و همان طور که مقدمه ی طرح بیان داشته است عربستان را به یک بازیگر استراتژیک در بین ۳ قاره ی آسیا ، اروپا و آفریقا تبدیل کند. این ادعاها در حالی بوده است که ناظران و تحلیلگران بین المللی نگرش های مختلفی را در رابطه با اهداف و چشم اندازهای بن سلمان ارائه داده اند به گونه ای که برخی این طرح را صرفا یک طرح موقتی در راستای تثبیت قدرت ولیعهد دانسته و برخی نیز معتقدند که این طرح یک برنامه ی واقعی جهت مدرن سازی دولت عربستان است. پژوهش حاضر تلاش دارد که نگرش ها و دیدگاه های مختلفی که در این زمینه شکل گرفته است را مورد بررسی قرار داده و آن ها را تشریح نماید. بنابراین سوال اصلی این پژوهش این است که چه دیدگاه ها و نگرش هایی پیرامون ماهیت اصلاحات و تغییرات محمد بن سلمان وجود دارد؟ از نظر نویسنده به طور کلی در این رابطه ۴ نگرش اصلی مطرح است که هر یک ادله ها و استدلال های مختلفی را در مورد اهداف و چشم اندازهای بن سلمان ارائه می دهند. روش این پژوهش روش توصیفی- تحلیلی است که در قالب آن نگرش های مختلف در مورد تحولات بن سلمان تشریح و تحلیل می گردد.

¹ Saudi Vision 2030

ویژگی‌های نظام سیاسی عربستان سعودی

حکومت سیاسی عربستان بر مبنای مولفه‌های مذهبی و سیاسی و در سال ۱۹۳۲ ایجاد شده و خاندان آل سعود به عنوان خاندان سلطنتی بر آن مسلط گردیده است. نظام سیاسی عربستان سعودی به صورت پادشاهی^۱ است و پادشاه در راس هرم قدرت قرار دارد. در این کشور شریعت مبنای اساسی قانون گذاری محسوب می‌شود اما با این حال تصویب قوانین و اجرای سیاست تحت تاثیر مولفه‌های مختلفی چون سیاست‌های داخلی خاندان حاکم و قبایل قرار می‌گیرد و لذا تمام تصمیمات سیاسی عمده در خارج از دستگاه رسمی سیاسی اتخاذ می‌شود. در واقع تصمیم‌های نهایی در این کشور در نتیجه‌ی اجماع بین خاندان سلطنتی، علمای مذهبی، شیوخ قبایل و تجار برجسته حاصل می‌شود. عربستان سعودی به مناطق اداری مختلفی نیز تقسیم می‌شود و هر منطقه خود مبتنی بر نواحی مختلفی است که توسط فرمانداران منطقه‌ای اداره می‌شوند و خاندان سلطنتی آن‌ها را منصوب می‌کنند. (S. Etheredge, 2001: 25-26) خاندان سلطنتی به عنوان بنیان‌گذار عربستان سعودی بر همه‌ی ارکان سیاسی و اقتصادی کشور حق حاکمیت دارند. طبق قانون اساسی عربستان سعودی پادشاه بزرگترین موقعیت سیاسی در بین خاندان آل سعود است و تمام اعضای حکومت توسط او انتخاب شده و در مقابل او مسئول هستند. (sarmadi and others, 2018: 2) در واقع پادشاه مرجع همه‌ی قوای ۳ گانه محسوب می‌شود و اوست که عزل و نصب‌های سیاسی را در کشور انجام می‌دهد. (نادری، ۱۳۸۸، ص ۸۰۴) عربستان به طور کلی دارای ۱۳ منطقه‌ی اداری است و از آن جایی که اعضای خاندان سلطنتی آن را اداره می‌کنند باعث می‌شود که در کنترل تصمیمات پادشاه نقش عمده‌ای داشته باشند. (Albaouh, Mahoney, 2017: 248) خاندان سلطنتی عربستان به طور کلی شامل ۴ خانواده‌ی اصلی است که صاحبان اصلی قدرت در عربستان محسوب می‌شوند. از این میان آل فیصل مهم‌ترین خانواده آل سعود است که از نوادگان عبدالعزیز هستند و آل سدیری مهم‌ترین شاخه‌ی آن است. آل ثنایان نیز از دیگر خانواده‌های سلطنتی است که با آل سدیری رابطه نزدیکی دارد و به همین خاطر در ساختار قدرت نیز تاثیرگذار است. آل جیللوی از دیگر خانواده‌های بزرگ سلطنتی از نسل فیصل بن ترکی، پدر بزرگ عبدالعزیز هستند و آل کبیر نیز به عنوان چهارمین

¹ Monarchy

گروه بزرگ سلطنتی از فرزندان آل سعود کبیر پسر عموی ملک عبدالعزیز محسوب می شوند. (مسعود نیا و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۴) همچنین عنیزه، بنی خالد، بنی حرب، آل مره، بنی مطیر، قحطان، شمر و عتیبه از مهم ترین قبایل عربستان هستند که در ساختار سیاسی این کشور نقش آفرینی می کنند. علاوه بر این حدود ۱۵ قبیله کوچک تر نیز وجود دارد که در کنار این قبایل اصلی در سیستم سیاسی تاثیرگذارند. (نادری، ۱۳۸۸: ۸۰۸) حکومت عربستان سعودی در نتیجه ی ائتلاف دو خاندان آل سعود و آل شیخ (محمد بن عبدالوهاب) شکل گرفت و عبدالعزیز تا سال ۱۹۵۳ رهبری آن را بر عهده داشته است. پس از او ملک سعود تا سال ۱۹۶۴ به عنوان پادشاه عربستان برگزیده شد و تا سال ۱۹۷۵ بر سر قدرت بود. ملک خالد چهارمین رهبر آل سعود بوده است که قدرت او تا سال ۱۹۸۲ ادامه داشته است. پس از او نیز ملک فهد تا سال ۲۰۰۵ و سپس ملک عبدالله تا سال ۲۰۱۵ پادشاهان عربستان بوده اند. (جعفری و قنبری، ۱۳۹۶: ۶) در سال ۲۰۱۵ سلمان بن عبدالعزیز به عنوان پادشاه عربستان انتخاب شد که همچنان قدرت را در دست دارد. در عربستان مشارکت سیاسی تنها محدود به قشر اندکی از جامعه است و هیچ انتخاباتی برای ملت وجود ندارد و ضمن ممنوعیت فعالیت احزاب، زنان نیز از حقوق سیاسی اندکی برخوردارند. قدرت به طور کامل در دست خاندان سلطنتی است و اگرچه بروکراسی مدرن ۱ در این کشور وجود دارد اما به طور کامل تحت نفوذ اعضای قبایل قرار دارد و لذا شیوخ قبال نفوذ گسترده ای را بر حوزه های ملی و محلی اعمال می کنند. (S. Etheredge, 2001: 25-26) ویژگی های اصلی ساختار سیاسی عربستان سعودی شامل این موارد است: الیگارشی سنتی^۲، حکومت پدرسالاری^۳، سیستم قضایی غیر مستقل، سخت گیری نسبت به فعالیت های مدنی و طبقه متوسط جدید، در نظر گرفتن امتیاز انحصاری برای شاهزادگان، فساد اقتصادی خاندان آل سعود، دستبرد زدن خاندان آل سعود به درآمدهای نفتی، سرکوب حکومتی، نفوذ اطلاعاتی و امنیتی در سراسر کشور. (Sarmadi and others, 2018: 5) دین نقشی اساسی در نظام سیاسی عربستان دارد و خاندان آل سعود از وهابیت به عنوان نشانه ای برای ملت سازی بهره برده است. در واقع سرزمینی که توسط ابن سعود فتح شده بود مبتنی بر قبایل، مذاهب و نواحی مختلفی بود که تنها از طریق یک مذهب واحد می توانست به وحدت برسد. علاوه بر این آیین مذهبی می توانست به عنوان عاملی برای

¹ Modern Bureaucracy

² classical Oligarchy

³ Patriarchy

مشروعیت بخشی قوانین حکومتی نیز به شمار بیاد. در نهایت برای خاندان سلطنتی مذهب ابزاری برای کنترل اجتماعی و سیاسی است که این اقدام از طریق نهادهای مختلفی مانند دادگاه شریعت که مبتنی بر احکام الهی است صورت می‌پذیرد. (Stenslie, 2018: 65) البته در سال‌های اخیر خاندان آل سعود از مذهب در عرصه‌ی نظام بین‌الملل نیز بهره‌برده است و تلاش کرده که در این قالب به نیروهای خود را در سوریه و همچنین یمن شکل دهد. هدف اصلی کادر رهبری عربستان سعودی از این اقدامات ایجاد موازنه در برابر محور مقاومت و هلال شیعی در منطقه بوده است که توسط جمهوری اسلامی ایران رهبری شده است. این استراتژی در سال‌های اخیر به شدت توسط محمد بن سلمان پی‌گیری شده و او تلاش داشته است که با تاکید بر ایدئولوژی افراطی وهابیت و حمایت از گروه‌های سلفی ایران را در منطقه در تنگنا قرار دهد.

محمد بن سلمان و تحولات جدید عربستان سعودی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نظام سیاسی عربستان سعودی مسئله‌ی کشمکش بین اعضای خاندان سلطنتی جهت کسب قدرت است. این موضوع یکی از چالش‌های اساسی حکومت آل سعود در طول تاریخ بوده است و خانواده‌ی سلطنتی همواره بر سر تصاحب مقام پادشاهی و پست‌های حساس به رقابت و کشمکش با یکدیگر پرداخته‌اند که یکی از جدیدترین تحولات مربوط به کشمکش و منازعه‌ی قدرت در این کشور نیز پس از پادشاهی ملک سلمان رخ داده است. هنگامی که ملک سلمان قدرت را در عربستان در دست گرفت حدود ۸۰ سال سن داشت و لذا مسئله‌ی ولیعهدی یکی از موضوعات اصلی دوره‌ی او بود. در زمان قدرت گرفتن ملک سلمان، محمد بن نایف برادر زاده ملک سلمان ولیعهد رسمی عربستان معرفی گردید و محمد بن سلمان در سن ۲۹ سالگی به عنوان وزیر دفاع انتخاب شد. اما ملک سلمان به مرور زمان زمینه را برای ولیعهدی پسر خود یعنی محمد بن سلمان فراهم ساخت و در سال ۲۰۱۷ به طور رسمی به عنوان ولیعهد جدید انتخاب و ولیعهد قبلی از قدرت برکنار گردید. محمد بن سلمان که در حال حاضر ولی‌عهد، نایب رئیس شورای وزیران و وزیر دفاع عربستان است یکی از پیشقراولان تحولات جدید در عربستان بوده و ضمن ایجاد تغییرات جدید در کابینه تلاش داشته تا پایه‌های ولایت عهدی خود را تقویت نماید. محمد بن سلمان ضمن به حاشیه

راندن ولیعهد پیشین عربستان پست های حساس و اعضای کابینه را نیز به نفع خود تغییر داده است. ایجاد کمیته ی مبارزه با فساد یکی از نهادهای جدید تحت هدایت او بوده است که به ملک سلمان و محمد بن سلمان جهت قبضه نمودن قدرت و برکناری مخالفان کمک کرده است. کمیته مبارزه با فساد عربستان به فرمان سلمان بن عبدالعزيز تشکیل شد و ریاست آن را محمد سلمان بر عهده داشته است. این کمیته ۳۰ مسئول دولتی و ۱۱ شاهزاده ی عربستانی را دستگیر کرده است. محمد بن سلمان در راستای تحولات جدید اعضای نزدیک تری را نیز برای کابینه ی خود بر گزیده است. او ابراهیم العساف را جایگزین عادل الجبیر وزیر امور خارجه ی پیشین کرده و عبدالله بن بندر را نیز به عنوان فرمانده گارد ملی انتخاب نموده است. گارد ملی در عربستان وظیفه ی حفاظت از خاندان سلطنتی را بر عهده دارد. محمد بن سلمان در سال ۲۰۱۷، متعب بن عبدالله پسر ملک عبدالله پادشاه پیشین را از این سمت برکنار کرد. انتخاب مساعد بن محمد العبیان به عنوان مشاور امنیت ملی، خالد بن قرار الحربی به عنوان مدیر امنیت ملی و ترکی بن عبدالله الشبانه به عنوان وزیر اطلاع رسانی نیز از دیگر تحولات اساسی بن سلمان در حوزه ی امنیت ملی و سیاسی بوده است. اشخاص جدید منتصب توسط ولیعهد سعودی ارتباط نزدیکی با او دارند و از حامیان طرح های داخلی و بین المللی او محسوب می شوند. (بی بی سی فارسی، ۱۳۹۷)

اما یکی از جدیدترین و اساسی ترین تحولاتی که محمد بن سلمان و کادر رهبری جدید عربستان انجام داده است چشم انداز ۲۰۳۰ است که بسیاری از ناظران بین المللی آن را یکی از طرح های دگرگون ساز عربستان دانسته اند. این سند در آوریل سال ۲۰۱۶ توسط محمد بن سلمان و تحت عنوان چشم انداز ۲۰۳۰ برای عربستان سعودی مطرح گردید که مجموعه ای از تحولات اساسی را در زمینه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تاکید قرار می داد. (Habibi, 2019: 1-3) محمد بن سلمان بیان داشته است که در قالب این طرح تلاش دارد که جامعه ی عربستان را به حالت یک جامعه ی مترقی در آورده و با انجام اصلاحات اقتصادی و سیاسی زمینه ساز ایجاد یک جامعه ی مدرن شود. این طرح در حوزه های بین المللی نیز افزایش قدرت عربستان در سطح منطقه را مورد توجه قرار داده است. چشم انداز ۲۰۳۰ به طور کلی اهداف زیر را مد نظر قرار داده است:

۱. تبدیل جامعه ی عربستان سعودی به یک جامعه ی مترقی و پرجنب و جوش
۲. رونق اقتصادی

۳. تبدیل ملت عربستان به یک ملت بلند پرواز و بلند همت (Habibi, 2019: 1-3) چشم‌انداز ۲۰۳۰ به منظور دست‌یابی به این اهداف تحول در حوزه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را مد نظر قرار داده است. این سند جهت دستیابی به یک جامعه‌ی مترقی و پرجنب و جوش تلاش دارد که در حوزه‌های مختلف فرهنگی و سرگرمی سرمایه‌گذاری‌های کلانی را انجام دهد. ساخت مراکز فرهنگی، حمایت مالی از برنامه‌های فرهنگی و ارتقای هنرهای ماندند موسیقی و سینما و ایجاد مراکز گردشگری از مهم‌ترین برنامه‌های فرهنگی این چشم‌انداز محسوب می‌شود. موضوع "اقتصاد پررونق" نیز شامل لیست طولانی از اصلاحات اقتصادی و اهداف کمی است. خصوصی‌سازی اقتصادی از مهم‌ترین مسائل مورد توجه سند است و تلاش بر این است که عربستان از ۴۰ درصد اقتصادی خصوصی تا سال ۲۰۳۰ به ۶۰ درصد برسد. افزایش درآمدهای مالی غیر نفتی از طریق اصلاح مالیات، ایجاد فضای قانونی و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و استعدادهای خارجی از مهم‌ترین مسائل اقتصادی این طرح است. عربستان سعودی با این طرح تلاش دارد که تولید ناخالص داخلی خود را تا سال ۲۰۳۰ به ۳۵ درصد برساند. تغییر و تحولات سیستم حاکمیتی نیز بخشی از اهداف بن سلمان در سند ۲۰۳۰ بوده است. مسئله‌ی شفافیت و کاهش فساد به عنوان مهم‌ترین عناصر اصلاحی در این زمینه مورد توجه قرار گرفته‌اند. علاوه بر این سند ۲۰۳۰ در پی افزایش مشارکت سیاسی شهروندان و گسترش نهادهای مدنی در جامعه‌ی عربستان نیز بوده است. (Habibi, 2019: 1-3) هدف اصلی از انجام اصلاحات در ۳ حوزه‌ی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این است که عربستان سعودی هم در حوزه‌ی داخلی و هم بین‌المللی به رشد و پیشرفت مد نظر دست یابد. سند این چشم‌انداز پیرامون اهداف رهبران عربستان سعودی در مقدمه‌ی خود بیان می‌دارد که:

چشم‌انداز ما برای پادشاهی عربستان سعودی مبتنی بر ۳ ستون اساسی است که این بیانگر مزایای رقابتی منحصر به فرد ماست. موقعیت ما این امکان را ایجاد می‌کند که نقش برجسته‌ای را در قلب جهان عرب و اسلام برای خود ایجاد نماییم. در عین حال ما از قدرت سرمایه‌گذاری خود برای ایجاد یک اقتصاد پایدار و متنوع‌تر نیز بهره خواهیم برد. در نهایت ما از موقعیت استراتژیک خود برای ایفای نقش خود به عنوان محرک کامل تجارت بین‌الملل و اتصال ۳ قاره‌ی آسیا، آفریقا و اروپا نیز استفاده خواهیم کرد. (Vision 2030, 2016: 13)

عربستان سعودی معتقد است که با انجام این اصلاحات بر اساس ۳ ستون اساسی خود یعنی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تلاش دارد که موقعیت خود را در جهان اسلام و در میان اعراب منطقه ارتقا داده و بتواند در میان ۳ قاره ی آسیا، آفریقا و اروپا به نقش آفرینی بین المللی روی آورد. بن سلمان این طرح را به عنوان نوعی نقشه ی راه برای آینده ی عربستان در نظر گرفته است و تاکید نموده که عربستان سعودی تا سال ۲۰۳۰ می تواند به یک قدرت پیشرفته و برتر در سطح منطقه و جهان تبدیل شود. بر این اساس او تغییرات کابینه را در این راستا دانسته است.

دیدگاه های مختلف نسبت به تحولات محمد بن سلمان

اگرچه بن سلمان و رهبران جدید عربستان سعودی چشم انداز ۲۰۳۰ را یک طرح اصلاحی و پیش برنده خوانده اند اما با این حال در رابطه با ماهیت چشم انداز و اهداف بن سلمان دیدگاه های متفاوتی وجود دارد و بسیاری از کارشناسان و سیاستمداران جهان معتقدند که این طرح یک پروژه ی اصلاحی واقعی نیست و اهداف خاصی در پشت آن وجود دارد. به طور کلی می توان ۴ دیدگاه اساسی را در رابطه با کادر جدید رهبری عربستان سعودی و تلاش های اصلاح طلبانه ی کابینه ی جدید مورد شناسایی قرار داد. یک دیدگاه معتقد است که اصلاحات بن سلمان و کادر جدید رهبری در عربستان در راستای تغییر و تحولات جدید در این کشور صورت پذیرفته و جامعه ی عربستان در حال ورود به مدرنیزاسیون^۱ و اصلاح طلبی واقعی است. دیدگاه دوم معتقد است که تغییر و تحولات جدید در کادر رهبری عربستان و انجام اصلاحات و طرح های مدرنیزاسیون جنبه ای کاملاً صوری داشته و صرفاً در راستای بهبود روابط عربستان و غرب صورت پذیرفته است و بن سلمان در تلاش است که حسن نیت خود را به غرب نشان دهد. دیدگاه سوم کادر جدید رهبری و تغییرات سیاسی عربستان را صرفاً دارای جنبه ای منفعت طلبانه می داند که قدرت را در دست بن سلمان متمرکز خواهد کرد. دیدگاه چهارم انجام تغییر و تحولات جدید را مبتنی بر منافع و خواسته های ایالات متحده دانسته و معتقد است که این تغییرات جهت تمرکز قدرت در دست بن سلمان صورت پذیرفته که موضعی ضد ایرانی داشته و در راستای منافع آمریکا عمل می کند. در این بخش هر یک از این دیدگاه ها را مورد بررسی قرار می دهیم.

^۱ Modernization

۱. دیدگاه اول: ایجاد اصلاحات و مدرنیزاسیون واقعی

بسیاری از کارشناسان و متفکرین سیاسی معتقدند که تغییر کادر جدید رهبری در عربستان سعودی در راستای تغییر و تحولات اصلاح طلبانه ی بن سلمان است و بن سلمان سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ را در جهت رشد و پیشرفت واقعی جامعه ی عربستان ارائه داده است. این متفکرین یا ناظران، بن سلمان را به عنوان یک رهبر مصلح در نظر می‌گیرند که در پی انجام اصلاحات اجتماعی در یک جامعه ی پدرسالارانه بوده و اصلاح اقتصادی را جهت کاهش وابستگی عربستان به نفت پی‌گیری نموده است. کسانی که به دربار سعودی نزدیک بوده و یا این که با عربستان همکاری سیاسی نزدیکی دارند معمولاً این دیدگاه را ارائه داده و تقویت نموده‌اند. جوزف کچیچیان^۲ از همکاران ارشد مرکز مطالعات اسلامی و تحقیقاتی پادشاه فیصل، بن سلمان را به عنوان یک "شاهزاده ی روشنفکر" ترسیم نموده که در پی مدرنیزاسیون عربستان سعودی است. از نظر این متفکر تغییرات ساختاری عربستان در جهت این است که او زمینه را برای تحولات جدید در عربستان فراهم سازد که سند ۲۰۳۰ مهم‌ترین مولفه ی این تغییرات دانسته می‌شود. او معتقد است که بن سلمان و کادر جدید رهبری عربستان در پی این هستند که بخش خصوصی فعال‌تری را ایجاد و بروکراسی دولتی را کاهش دهند. بن سلمان وعده داده است که قدرت علمای وهابی را کاهش خواهد داد و ضمن بازگشایی سینماها اجازه ی برگزاری کنسرت‌های موسیقی و رانندگی زنان را بدهد. حتی او و کادر جدیدش وعده داده‌اند که زمینه را برای ایجاد اسلام میانه رو فراهم سازند. (Stenslie, 2018, pp61-62) خود بن سلمان و اعضای کابینه ی او معتقدند که هدف از انجام تغییرات جدید و طرح ۲۰۳۰ انتقال جامعه ی عربستان به سمت یک کشور پیشرفته است تا در قالب آن عربستان بتواند مسیرهای مدرنیزاسیون را تا سال ۲۰۳۰ بپیماید. اما علیرغم ادعای بن سلمان و تیم رهبری جدید عربستان سعودی، دیدگاه‌های مخالف زیادی پیرامون اهداف واقعی بن سلمان وجود دارد و بسیاری از ناظران بین‌المللی و حقوق بشری^۳ معتقدند که طرح او یک طرح واقعی برای تغییر سیاسی نیست و بن سلمان و رهبران عربستان در این زمینه بسیار محافظه کارانه عمل کرده

¹ Patriarchy

² Joseph A. Kéchichian

³ Human rights

اند. مخالفان بیان می دارند که بن سلمان خود را به عنوان یک رهبر مصلح معرفی نموده است اما در حال حاضر آن چه که از او دیده شده است سرکوب و خفقان سیاسی است.

۲. دیدگاه دوم: انجام اصلاحات برای نشان دادن حسن نیت به غرب و آمریکا

دیدگاه دیگر این است که کادر رهبری جدید و اصلاحات مورد نظر آن ها صرفاً جنبه ای صوری داشته و هدف اصلی از انجام این کار این است که عربستان تنش های خود را با آمریکا و غرب از بین برده و رهبران عربستان از طریق انجام اصلاحات حسن نیت خود را نسبت به این کشورها نشان دهند. پس از شکل گیری مسئله ی جمال خاشقجی مقامات آمریکا و کشورهای غربی عربستان را مورد انتقاد قرار دادند و از سران این کشور خواستند که در این زمینه پاسخگو باشند؛ لذا بن سلمان با انجام برخی از اصلاحات داخلی در پی این است که غرب را قانع سازد که در راستای اصلاحات داخلی گام برداشته است. به عنوان مثال عبدالباری عطوان^۱ مقاله نویس روزنامه ی رای الیوم اقدامات اصلاحی رهبران جدید عربستان را دارای جنبه ای نمادین دانسته و معتقد است که هدف اصلی از این کار سرپوش گذاشتن بر قتل جمال خاشقجی بوده است و اصلاحات واقعی مد نظر بن سلمان و تیم رهبری او نیست. (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۷) از آن جایی که کشورهای غربی به شدت تمایل دارند که از دولت های خاورمیانه که در راستای اصلاحات لیبرالی^۲ گام بر می دارند حمایت کنند لذا بن سلمان نیز خود را یک رهبر مصلح نشان داده است که ضمن جلب رضایت و حمایت غرب بر سیاست های خصمانه ی خود در داخل و خارج نیز سرپوش گذارد. بن سلمان به خاطر اقدامات تمرکز گرایانه در داخل و سیاست های خصومت آمیز در خارج به خصوص یمن مورد سرزنش غرب قرار گرفته است و لذا انجام اصلاحات می تواند دامنه ی این سرزنش ها را کاهش دهد. البته علیرغم تمام تلاشی که بن سلمان در این زمینه داشته است بسیاری از مفسرین غربی معتقدند که بن سلمان یک اصلاح گر واقعی نیست و او با اقدامات خود کشورهای غربی را نیز فریب داده است. مهم ترین دلیل برای این ادعا نیز این است که بن سلمان اصلاحات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را با هم نمی خواهد. ولیعهد عربستان سعودی به خوبی آگاه است که اصلاحات سیاسی می تواند زمینه ساز تضعیف قدرت او باشد و به همین خاطر او به هیچ وجه چنین اصلاحاتی را

¹ Abdel Bari Atwan

² Liberal

مورد توجه قرار نداده است. (Ibish, 2018) بسیاری از اندیشکده‌ها و سیاست‌مداران غرب بر این مسئله تاکید داشته‌اند که بن سلمان یک اصلاح‌گر سیاسی واقعی نیست و او تنها در پی این است که غرب را فریب داده و سیاست‌های سلطه‌طلبانه‌ی خود را پیش برد.

۳. دیدگاه سوم: تصاحب قدرت در دست بن سلمان

دیدگاه دیگری که در رابطه با تغییرات داخلی عربستان شکل گرفته این است که کادر جدید رهبری در عربستان صرفاً جنبه‌ای جاه‌طلبانه داشته و در راستای تمرکز قدرت در دست ولیعهد این کشور یعنی بن سلمان صورت پذیرفته است. این کارشناسان معتقدند که دستگیری‌هایی که در زمینه‌ی فساد مالی صورت پذیرفته صرفاً بهانه‌ای برای خلع‌ید مخالفین بن سلمان بوده است و استراتژی بن سلمان دقیقاً شبیه استراتژی پوتین^۱ است. از منظر این متفکرین عربستان سعودی با انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی فاصله‌ی زیادی دارد و به راحتی به سمت دموکراسی و جامعه‌ی باز حرکت نخواهد کرد و این اقدامات صرفاً اهداف شخصی و مستبدانه به دنبال دارد. مخالفین طرح اصلاح طلبی کادر جدید معتقدند که بن سلمان در حوزه‌ی منطقه‌ای به عنوان یک رهبر سرکش عمل کرده است. او یمن را بمباران کرده، به محاصره‌ی قطر روی آورده و رهبری ایران را هیتلر جدید خاورمیانه خوانده است. (Stenslie, 2018: 61-62) بنابراین اصلاحات واقعی به هیچ وجه مد نظر او نیست و تغییرات سیاسی ایجاد شده صرفاً در راستای تصاحب قدرت توسط بن سلمان صورت پذیرفته است. به عنوان مثال پائول پیلار^۲ نویسنده‌ی همکار نشنال اینترست^۳ معتقد است که ولیعهد عربستان سعودی به هیچ وجه در پی اصلاحات سیاسی واقعی نیست و این اصلاحات صرفاً جنبه‌ای نمادین دارد. از نظر او تغییرات بن سلمان و کابینه‌ی او در زمینه‌ی اجتماعی و اقتصادی در واقع اجتناب از هر چیزی است که قدرت ولیعهد را به مخاطره می‌اندازد. (R. Pillar, 2019) دیدگاه نخبگان و رهبران سیاسی ایران نیز به این نگرش نزدیک است و آن‌ها نیز معتقدند که تغییر و تحولات جدید عربستان و عزل و نصب‌های انجام شده در کادر رهبری این کشور بیشتر با منافع جاه‌طلبانه‌ی بن سلمان همخوانی دارد و یک تغییر اصلاح طلبانه‌ی

^۱ Vladimir Putin

^۲ Paul R. Pillar

^۳ National Interest

واقعی در عربستان رخ نخواهد داد چرا که اصلاحات او به هیچ وجه به عرصه ی سیاسی تسری نمی یابد.

کارن الیوت^۱ در پژوهشی که در مرکز بلفر^۲ در رابطه با اهداف و چشم اندازهای محمد بن سلمان انجام داده است بیان داشته که تحولات بن سلمان فاقد اصلاحات واقعی بوده و او در کنار اقدامات خود بر ابزارهای سرکوب و تمرکز قدرت نیز افزوده است. او اظهار می دارد که تحولات بن سلمان وارد سال چهارم شده است اما با این حال هیچ تغییر و تحول اساسی در زمینه ی اقتصادی و سیاسی اتفاق نیفتاده است. ولیعهد عربستان بسیاری از مردم را تحت نظارت قرار داده است و اجازه ی اظهار نظر به آن ها نمی دهد تا چه برسد به انتقاد به دولت. علاوه بر این عربستان سعودی اخیراً تعداد بازداشت ها و فشارهای سیاسی خود را افزایش نیز داده است که این بدین معناست که بن سلمان به دنبال اصلاحات سیاسی واقعی نیست. الیوت معتقد است که دولت سعی کرده است با باز کردن طیف گسترده ای از سرگرمی های ممنوعه، مردم را از مشکلات اقتصادی و سیاسی خود منحرف کند. او تاکید می کند که یک فعال حقوق بشر سعودی که تحت فشار دولت قرار گرفته است بیان می دارد که: "ما به یک جامعه متعادل تر و حقوقی تر امیدوار بودیم اما در عوض، آنچه اتفاق افتاده است، سرکوب بیشتر و با یک ایدئولوژی متفاوت است." (Elliott House, 2019) مصطفی بیومی^۳ در تحلیلی که در این رابطه در گاردین^۴ ارائه داده است نیز بیان داشته که اقدامات بن سلمان در حاله ای از ابهام بوده و او هیچ تغییر سیاسی واقعی ای را انجام نمی دهد. از منظر این تحلیل گر سیاسی آنچه شاهزاده محمد تا اکنون در عربستان سعودی انجام داده است این است که علاوه بر پیروی از یک سیاست خارجی فاجعه بار، در حال تثبیت قدرت خود است. این وضعیت در حالی بوده که او امیدوار است که تغییرات مربوط به سرگرمی و تفریحات باعث شود تا مردمش از خواستن تغییر سیاسی واقعی منحرف شوند. (Bayoumi, 2018) جفری فریستین^۵ در انجمن خدمات سیاست خارجی ایالات متحده ی آمریکا^۶ استدلال کرده است که طرح بن سلمان به هیچ وجه به حوزه ی سیاسی سرایت نخواهد کرد و شاخص ها نشان می

¹ Karen Elliott House

² Belfer Center for Science and International Affairs

³ Moustafa Bayoumi

⁴ theguardian

⁵ Jerry Feierstein

⁶ American Foreign Service Association

دهد که عربستان سعودی همچنان تمایل دارد که به صورت یک دولت اقتدارگرا باقی بماند و هیچ تمایلی را برای ایجاد فضای باز سیاسی از خود نشان نداده است. فریستین معتقد است که طرح تغییرات اقتصادی و داخلی به هیچ وجه به حوزه ی سیاست سرایت نخواهد کرد. (Feierstein, 2018) بنابراین این دیدگاه کاملاً به اصلاحات و تحولات بن سلمان بدبین است و معتقد است که بن سلمان و تغییرات سیاسی و اصلاحی او هرگز نمی‌تواند جامعه ی عربستان را به سمت پیشرفت و مدرنیته سوق دهد چرا که کادر رهبری جدید عربستان سعودی در حوزه ی سیاسی هیچ اصلاحات چشم‌گیری را انجام نداده است و قطعاً در آینده نیز چنین اصلاحاتی انجام نخواهد پذیرفت. بیشتر ناظران و سیاست‌مداران جهانی و منطقه ای به این نگرش پایبند هستند و با اشاره به ساختار و سیستم سیاسی خاص عربستان تحولات واقعی در این کشور را به راحتی امکان‌پذیر نمی‌دانند.

۴. دیدگاه چهارم: تامین منافع آمریکا و مقابله با ایران

برخی تلاش بن سلمان و عزل و نصب‌های صورت پذیرفته در دستگاه سیاسی آل سعود و طرح‌ها و برنامه‌های جدید ولیعهد عربستان را خواست آمریکا می‌دانند و معتقدند که این تغییرات بر اساس مطامع غرب صورت پذیرفته و یکی از اهداف اساسی این تغییرات نیز مقابله با ایران و دشمنان آمریکا در منطقه است. در واقع از آن جایی که بن سلمان موضعی ضد ایرانی اتخاذ کرده و در راستای منافع آمریکا نیز گام برداشته است لذا بر اساس خواسته‌های مقامات واشنگتن تغییرات جدید در کادر رهبری عربستان صورت پذیرفته تا زمینه برای تصاحب قدرت بن سلمان فراهم گردد و از این طریق منافع آمریکا نیز تامین شود. حسین مسعود نیا، یونس فروزان و عبدالرضا عالیشاهی از جمله کسانی هستند که به تقویت این دیدگاه پرداخته و معتقدند که آمریکا در تغییرات جدید عربستان نقشی اساسی داشته است. این نویسندگان در پژوهشی با عنوان "جابه‌جایی قدرت در عربستان سعودی: تأثیرات تغییر ولایت عهدی بر ساختار سیاست خارجی عربستان سعودی" که در فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی به چاپ رسیده است بر این نکته تاکید کرده‌اند که خواست آمریکا و کابینه ی ترامپ ا به قدرت رسیدن بن سلمان بوده و هم‌زمان با جریان کمپین انتخاباتی ترامپ سناریوی به تخت نشستن محمد بن سلمان نیز کلید خورده است. این نویسندگان

¹ Donald John Trump

اشاره می کنند که سندی که در این زمینه انتشار یافته دیدگاه حمایت آمریکا را تقویت می کند. براساس این سند، محمد بن سلمان نام این طرح را "رویکرد عربستان برای مشارکت استراتژیک با آمریکا" و عنوان فرعی "درخواست ارائه شده به رئیس جمهور منتخب آمریکا" قید کرده و ترامپ هم با اجرای آن طی چند مرحله موافقت کرده بود. (مسعود نیا و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۵۲) ترامپ و داماد او کوشنر^۱ ارتباط عمیقی را با محمد بن سلمان برقرار ساخته اند و به شدت از مواضع ضد ایرانی او در منطقه حمایت کرده اند. بن سلمان از سال ۲۰۱۵ از طریق مجموعه ای از سفرهایی که به آمریکا داشته خشونت و موضع خصمانه ی خود را علیه جمهوری اسلامی ایران افزوده است. او از این زمان تروریسم جهانی و داعش را به شدت مورد حمایت قرار داده است تا بتواند جمهوری اسلامی ایران و جمعیت تشیع را در مناطقی مانند سوریه، عراق لبنان مورد تهدید قرار دهد. (Al-Rasheed, 2018: 8) بن سلمان همچنین ایران را مسئولیت نابودی جمعیت اهل تسنن در کشورهای چوچون سوریه و عراق دانسته است و بیان داشته که ایران بن لادن را در خاک خود پناه داده است. او همچنین رهبری ایران را یک هیتلر جدید در منطقه معرفی کرده است که در پی بر هم زدن نظم منطقه می باشد. (Al-Rasheed, 2018: 8) بن سلمان در طی مصاحبه با یک روزنامه نگار غربی بیان داشته است که رهبری ایران همچون هیتلر است اما با این تفاوت که هیتلر در پی گرفتن اروپا بود اما رهبر ایران در تلاش است که کل دنیا را به تصرف خود در آورد. بیان بن سلمان به شدت واکنش مقامات ایران را برانگیخته است و محمد جواد ظریف در پاسخ به ادعای بن سلمان بیان داشته که این عربستان سعودی است که با حمایت از ایدئولوژی افراطی یعنی سلفی گرایی زمینه را برای خشونت در منطقه فراهم نموده است. (Postel, Hashemi, 2018: 9) ارتباط عمیق بین ترامپ و بن سلمان و مواضع ضد ایرانی ولیعهد عربستان این فرضیه را برای بسیاری از تحلیلگران ایجاد کرده است که اصلاحات و تغییراتی که بن سلمان انجام داده است تنها در راستای خواسته های آمریکا مبنی بر قدرت یافتن او و ایجاد موازنه علیه ایران از این طریق بوده است. در واقع بسیاری بر این نگرش تاکید داشته اند که رهبران آمریکا از اصلاحات بن سلمان حمایت کرده اند تا صرفاً او را به عنوان یک اهرم ضد ایرانی در ساختار سیاسی عربستان تقویت نمایند. کشمکش و تقابل بن سلمان در یمن و سوریه با جمهوری اسلامی ایران این فرضیه را بیشتر تقویت می کند. بن سلمان در سوریه و یمن علیه جمهوری اسلامی ایران موضع گیری کرده است و با حمایت های مالی، شکل دهی به گروه های تروریستی و مداخلات نظامی مستقیم تلاش کرده

¹ Jared Kushner

است که ایران را در این حوزه‌های جغرافیایی تحت فشار قرار دهد. کابینه‌ی ملک سلمان معتقد است که خاک سوریه به هیچ وجه نباید به ایران سپرده شود و تنها مسیر جلوگیری از این وضعیت نیز حمایت تمام عیار از شورشیان است. وزیر امور خارجه‌ی عربستان در سال ۲۰۱۷ طی مصاحبه‌ای پیرامون وضعیت سوریه بیان داشته بود که ایده‌ی اساسی در عملیات آزادسازی مناطق سوریه از چنگال داعش، واگذاری مناطق آزادشده به معارضان و جلوگیری از دستیابی ایران، حزب الله و دولت سوریه به آن هاست. (ابوالفتحی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۱۱) استراتژی‌های بن سلمان باعث شده است که دولت ترامپ تمام تلاش خود را به کار گیرد تا او بتواند در راس هرم قدرت باقی ماند و به عنوان ولیعهد و حتی پادشاه عربستان به نقش آفرینی بیشتر در سطح داخلی و بین‌المللی بپردازد.

نتیجه‌گیری

محمد بن سلمان ولیعهد جدید عربستان سعودی که طی مجموعه اقدامات سرکوب‌گرانه توانست موقعیت خود را از وزارت دفاع به ولیعهدی عربستان انتقال دهد، تغییر و تحولات جدیدی را در این کشور آغاز کرده که ذهن بسیاری از ناظران را به خود جلب نموده است. محمد بن سلمان کابینه‌ی سعودی را به شدت دگرگون کرده و افرادی را به قدرت رسانده است که با نگرش‌ها و رویکردهای او در سیاست داخلی و خارجی موافق هستند. چشم‌انداز ۲۰۳۰ نیز یکی از مهم‌ترین طرح‌های توسعه طلبانه‌ی بن سلمان در عربستان بوده است که از آن تحت عنوان یک پروژه‌ی اساسی انتقال یاد شده است. رهبران جدید عربستان تأکید داشته‌اند که این تغییر و تحولات جدید در راستای مدرن‌سازی جامعه‌ی عربستان صورت پذیرفته است و هدف اصلی از آن انتقال جامعه‌ی عربستان به یک وضعیت پیشرفته تا سال ۲۰۳۰ می‌باشد. این ادعاها در حالی بوده است که بسیاری از تحلیل‌گران تحولات جدید را دارای ماهیتی متفاوت دانسته‌اند و معتقدند که انجام اصلاحات و تغییرات عربستان در راستای هدف خاصی صورت پذیرفته است. ما در این پژوهش نشان دادیم که به طور کلی می‌توان ۴ دیدگاه و یا نگرش مختلف را پیرامون تحولات جدید بن سلمان و کابینه‌ی او مد نظر قرار داد که هر یک ادله‌ی خاصی را در مورد ماهیت این اقدامات ارائه داده است. این ۴ دیدگاه شامل این موارد هستند: انجام اصلاحات واقعی و حرکت عربستان به سمت مدرنیزاسیون واقعی، تمرکز قدرت در دست ولیعهد جدید، تأمین منافع آمریکا و مقابله با ایران و انجام اصلاحات برای نشان

دادن حسن نیت به غرب و آمریکا. از منظر نویسندگان گزینه ی انجام اصلاحات واقعی به هیچ عنوان نمی تواند به واقعیت نزدیک باشد چرا که به همان صورت که بسیاری از تحلیلگران بیان داشته اند بن سلمان در حوزه ی سیاسی بسیار محافظه کارانه عمل کرده است و اصلاحات را صرفاً به حوزه ی اقتصادی و اجتماعی محدود نموده است. در واقع منظر ما نیز بن سلمان صرفاً در جهت تمرکز قدرت و جلب رضایت آمریکا و مقابله با ایران بوده است که به سمت اصلاحات حرکت کرده است و هدف اصلی و نهایی بن سلمان از تغییر و تحولات جدید به هیچ وجه انتقال عربستان به سمت یک جامعه ی مدرن نیست.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

ابوالفتحی، محمد؛ رستمی، بنفشه و نادری، مسعود (۱۳۹۷). «مطالعه تطبیقی سیاست خارجی عربستان سعودی و قطر در قبال بحران سوریه؛ ۲۰۱۷-۲۰۱۱». **فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست**، سال ششم، شماره ۴.

جعفری، انوش و قنبری، حمیده (۱۳۹۶). «بررسی اقتصاد و سیاست داخلی عربستان سعودی». **ماهنامه پژوهش ملل**، دوره دوم، شماره ۲۲.

مسعودنیا، حسین؛ فروزان، یونس و عالیشاهی، عبدالرضا (۱۳۹۶). «جابجایی قدرت در عربستان سعودی، تاثیرات تغییر ولایت عهدی بر ساختار سیاست خارجی عربستان سعودی»، **رهیافت های سیاسی بین المللی**، سال هشتم، شماره ۱.

نادری، عباس (۱۳۸۸). «بررسی جامعه شناختی نظام سیاسی عربستان سعودی»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و سوم، شماره ۳.

«اهداف پشت پرده تغییرات سیاسی و امنیتی جدید در کابینه عربستان سعودی» (۱۳۹۷). **خبرگزاری تسنیم**، دریافت شده در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷، در <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/10/07/1909396/%D8%A7%D>

«محمد بن سلمان؛ مرد قدرتمند عربستان چه کسی است؟» (۱۳۹۷). **وبسایت بی بی سی فارسی**، دریافت شده در ۶ اردیبهشت ۱۳۹۸، در <http://www.bbc.com/persian/world-45979660>

ب) منابع انگلیسی

R. Pillar, Paul. (2019). Why Mohammed bin Salman May Not Want More Reform, National Interest, Retrieved April 30 2019, in

<https://nationalinterest.org/blog/paul-pillar/why-mohammed-bin-salman-may-not-want-more-reform-51817>

- Stenslie, Stig. (2018). The End of Elite Unity and the Stability of Saudi Arabia, *The Washington Quarterly*, Vol.41 ,No.1
- S. Etheredge, Laura. (2011). *Saudi Arabia and Yemen*, New York: Britannica Educational Publishing
- Sarmadi, Hamid. B, Mortaza. A, Hafez. S, Sirous. (2018). Negative Correlation Between Economic Structure of Rentier State and Non-Democratization (Case Study: Saudi Arabia), *Humanities and Social Science Research*, Vol 1 No 1
- ALBOAOUH, Kamel. MAHONEY, Jon. (2017). Religious and Political Authority in the Kingdom of Saudi Arabia: Challenges and Prospects, *MANAS Journal of Social Studies*, Vol.6 ,No.2
- Habibi, Nader. (2019). Implementing Saudi Arabia's Vision 2030: An Interim Balance Sheet, Crown Center, Retrieved September 30 2019, in <https://www.brandeis.edu/crown/publications/meb/meb127.pdf>
- Saudi Arabia's Vision 2030. (2016). Grantham Research Institute on Climate Change and the Environment, Retrieved September 30 2019, in <http://www.lse.ac.uk/GranthamInstitute/law/saudi-arabias-vision-2030/>
- Elliott House, Karen. (2019). Profile of a Prince: Promise and Peril in Mohammed bin Salman's Vision 2030, Belfer Center for Science and International Affairs, Retrieved September 30 2019, in <https://www.belfercenter.org/publication/profile-prince-promise-and-peril-mohammed-bin-salmans-vision-2030>
- Bayoumi, Moustafa. (2013). Mohammed bin Salman's talk of reform is a smokescreen, the guardian, Retrieved September 30 2019, in <https://www.theguardian.com/commentisfree/2018/mar/22/mohammed-bin-salmans-talk-reform-smokescreen>
- Feierstein, Jerry. (2018). Saudi Arabia: Liberalization, Not Democratization, American Foreign Service Association, Retrieved September 30 2019, in <https://www.afsa.org/saudi-arabia-liberalization-not-democratization>
- Ibish, Hussein. (2018). Reformer or Autocrat? Saudi Prince Is Both, Bloomberg, Retrieved September 30 2019, in <https://www.bloomberg.com/opinion/articles/2018-10-18/mbs-is-both-saudi-autocrat-and-genuine-reformer>

- Al-Rasheed, Madawi. (2018). The view from Riyadh, The Foreign Policy Centre, retrieved july 30 2019, in <https://fpc.org.uk/wp-content/uploads/2018/11/Saudi-Arabia-and-Iran-The-Struggle-to-Shape-the-Middle-East-Report.pdf>
- Postel, Danny. Hashemi, Nader. (2018). Playing with Fire: Trump, the Saudi- Iranian Rivalry, and the Geopolitics of Sectarianization in the Middle East, Sectarianism and the Politics of Hate, retrieved September 15 2019, in https://www.iemed.org/observatori/arees-danalisi/arxius-adjunts/anuari/med.2018/IEMed_Trump_Saudi_Iran_Sectarianization_Medyearbook2018_Postel_Hashemi.pdf